



## گفت و شنود با پزشک نمونه‌ی سال ۱۳۹۷

انتخاب پزشک نمونه، اقدامی نمادین برای تجلیل از تلاش‌های خانواده‌ی پزشکی است. با تصمیم هیئت مدیره‌ی نظام پزشکی لاهیجان-سیاهکل در سال ۹۷، این خانواده فرصت یافت تا با آرای خود نشان دهد قدردان زحمات ارزشمند همکاری است که در دردها هم قدم است و ریتم ناخوش زندگی را خوب می‌شناسد. پزشک نمونه‌ی سال ۹۷ دکتر احمد اکرامی متخصص قلب؛ پزشک کاردان، موقر و امین که حضورشان مایه‌ی آرامش قلب شهر است. به بهانه‌ی این انتخاب برازنده، فرصت را مغتنم دانستیم و برای آشنایی بیش‌تر مخاطبین «ندای سپید» به گفت و شنود با ایشان نشستیم.

## هرگز دغدغه‌ی اول بودن نداشتم

گفت‌وگو: دکتر نیکو مستوفی

همگی، شناخت بچه‌ها از محیط اطراف و ابتکار عمل‌شان را تقویت می‌کرد. از طرفی بخشی از این ترندها را از بچه‌های بزرگ‌تر می‌آموختیم که این خود به نوعی بودن در اجتماع و روابط اجتماعی را آموزش می‌داد.

**کدام دبستان می رفتید و از معلم‌های آن دوران کسی را به یاد دارید؟**

دبستانی در امیرشهر بود به نام «صدیق اعلم» که البته در حال حاضر وجود ندارد. معلم‌های خوبی داشتیم، از جمله معلم کلاس چهارم «خانم بصیر» که الان ساکن خارج از کشور هستند.

**مقطع راهنمایی در کدام مدرسه بودید؟**

مدرسه‌ی آذین و سال اول راهنمایی ما مصادف شد با انقلاب اسلامی و تعطیلات گه‌گاه مدارس که در آن سن و سال، تعطیلی‌ها خوشایند بود.

**در کدام دبیرستان تحصیل کردید و دبیر مورد علاقه‌ی شما چه کسی بود؟**

دبیرستان مهرگان سابق و مصطفی خمینی فعلی، توی دبیرستان دوستان زیادی داشتم که امروز با بسیاری از

درد بر شما و سپاس از شرکت در این گفت و شنود، برای آشنایی بیش‌تر خوانندگان ندای سپید کمی از تولد و کودکی‌تان بگویید.

سپاس از شما، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۶ متولد شدم و آخرین فرزند یک خانواده‌ی شلوغ هستم. ما سه برادر و چهار خواهر هستیم. دوران کودکی خوبی داشتم و بیش‌تر به بازی‌های بچگانه‌ی که در آن زمان باب بود، گذشت.

**کودکی‌تان چگونه گذشت؟**

بیش‌تر ایام کودکی به همان بازی‌های کودکانه با بچه‌های محل گذشت. خصوصیت محلات قدیمی به گونه‌ی بود که بچه‌ها به راحتی و در امنیت، مدت‌ها در کوچه بازی می‌کردند و بازی‌های آن دوران هم عمدتاً خلاقانه بود، مثلاً برای درست کردن یک بادبادک خوب نکات بسیار ریزی باید رعایت می‌شد و تبحر خاصی می‌خواست و در همین بازی‌ها بود که تمرین و تکرار را یاد می‌گرفتیم.

در آن زمان ما از فندق به جای تیل استفاده می‌کردیم و مراحل تبدیل یک فندق به فندقی که سنگین باشد و بتواند در مسابقات کودکانه شرکت کند؛ خود پروسه‌ی داشت که

آن‌ها همکار هستیم. دبیر ریاضی «آقای رنجبر» که مرحوم شدند و «آقای محیطی» دبیر شیمی از دبیران محبوب و دوست‌داشتنی من بودند.

### مشوق شما برای تحصیل چه کسی بود و از چه موقع به پزشکی علاقه‌مند شدید؟

داشتن تحصیلات در خانواده‌ی ما مهم بود، ولی به این صورت نبود که به سمت رشته‌ی خاصی سوق بدهند. به دلیل این‌که پدرم دبیر ریاضی بود، در خانواده‌ی ما علاقه و گرایش خاصی به رشته‌ی ریاضی هست و همه در رشته‌ی ریاضی فیزیک تحصیل کردند و در رشته‌های فنی [در دانشگاه] پذیرفته شدند، فقط من به توصیه‌ی مادرم وارد رشته‌ی علوم تجربی شدم و تمایل به پزشکی پیدا کردم و علاقه‌ام به پزشکی در دوران دانشجویی رفته رفته بیش‌تر شد.

### دوره‌ی دبیرستان‌تان تا ورود به دانشگاه چگونه گذشت؟

از نکات جالب سال ۶۴ که من دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه شدم، این است که تعداد قبولی‌ها بسیار زیاد بود، به طوری که این آمار در سال‌های قبل و بعد تکرار نشد. در آن سال فقط ۱۱ نفر از لاهیجان در پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شدیم. از خصوصاتی که من فقط در آن دوران تجربه کردم؛ رقابت همراه با رفاقت بود. ما سه نفر بودیم که بیش‌تر از بقیه با هم رقیب و در عین حال رفیق بودیم. من، جهانگیر چرخاب و مهران نوروزی. اگر یکی از ما نکته‌ی پیدا می‌کرد، محال بود به دو نفر دیگر منتقل نکند. من درس موظفم را می‌خواندم، البته سال آخر کمی فشار درسی را بیش‌تر کرده بودم، ولی نه به صورتی که امروزه شاهد آن هستیم.

### جنگ و اوضاع اجتماعی آن زمان روی شما و همسالان‌تان برای امتحان کنکور تأثیر گذاشته بود؟

جنگ تأثیر چندانی نداشت، ولی در آن سال‌ها پس از کسب رتبه، تحقیقات و گزینش صورت می‌گرفت که نتیجه‌ی کنکور را تحت تأثیر قرار می‌داد، به همین دلیل بسیاری از ما استرس تحقیقات پس از کنکور را داشتیم تا کسب رتبه!

### اصلاً تصور می‌کردید در کنکور رتبه‌ی ۱۱ بیاورید؟

آن زمان هیچ روشی برای سنجش خودمان نداشتیم. من برای این‌که خودم را محک بزنم و ببینم با معلومات و سرعت عملم چقدر می‌توانم پاسخ‌گوی سوالات باشم؛ در امتحان تربیت معلم شرکت کردم و به این ترتیب، کنکور دومین امتحان تستی من بود و هیچ ارزیابی‌یی از خودم نداشتیم.

### چطور از نتیجه مطلع شدید؟

با یکی از دوستانم که یک‌سال از من بزرگ‌تر و دانشجوی دانشگاه شیراز بود، ساعت ۶ عصر برای گرفتن کارنامه رفتیم. **کمال‌گرا هستید؟**

بله، البته به این معنا که اگر وظیفه‌ی بی به من سپرده شود، دوست دارم کامل انجام بدهم، ولی دغدغه‌ی اول بودن را ندارم. به طور مثال؛ برایم مهم نبود شاگرد اول باشم یا حتماً معلم ۲۰ باشد.

### استاد محبوب‌تان در دوران طب عمومی چه کسی بود و از چه موقع به رشته کاردیولوژی علاقه‌مند شدید؟

دکتر منصورمقدم، متخصص قلب که در دوران فیزیوپاتولوژی، استاد سمپولوژی ما بود. ایشان صداها و سوفل‌های قلبی را بر اساس مکانیک آموزش می‌داد و چون علاقه‌ی ذاتی من

برمی‌گشت به ریاضی و فیزیک؛ این جنبه‌ی مکانیکی قلب هم من را به این رشته و هم به نحوه‌ی تدریس دکتر مقدم علاقه‌مند کرد.

نکته‌ی دیگری که کاردیولوژی را برایم جذاب می‌کند؛ این است که پس از تشخیص با مداخلات می‌توان به بیمار کمک کرد و باعث بهبود کیفیت زندگی بیمار شد، ولی در خیلی از رشته‌ها درمان صرفاً نقش حمایتی و نگهدارنده دارد.

### حالا به عنوان همکار ایشان را می‌بینید؟

بله، در سمینارها و کنگره‌ها هستند ولی هیچ‌وقت فرصت نشد به ایشان بگویم یکی از دلایل سوق من به کاردیولوژی بوده‌اند. شاید در آینده این فرصت دست دهد.

### پس از پایان دانشگاه، در کجا به عنوان پزشک عمومی مشغول به کار شدید؟

برای طرح به بوشهر رفتم و پس از گذشت ۷ ماه، برای خدمت سربازی به رشت آمدم. پس از پایان خدمت، برای ادامه‌ی طرح مجدداً ۴ ماه در بوشهر کار کردم.

### چه سالی رزیدنتی پذیرفته شدید؟ تا جایی که می‌دانم آن‌جا هم درخشش داشتید.

سال ۷۶ در رزیدنتی پذیرفته شدم. از آن جایی که مرکز قلب شهید رجایی زیر مجموعه‌ی دانشگاه علوم پزشکی ایران بود و من هم هدفم کاردیولوژی بود؛ برای امتحان تخصص در این دانشگاه شرکت کردم. آن زمان به این صورت بود که باید در یک دانشگاه امتحان می‌دادیم و حق انتخاب سه رشته را داشتیم که من قلب، ارتوپدی و جراحی عمومی را انتخاب کردم. در امتحان نفر اول شدم و در نتیجه رشته‌ی دلخواهم را ادامه دادم.

### استاد محبوب‌تان در دوران رزیدنتی چه کسی بود؟

دکتر اورعی؛ بسیار باهوش و باسواد و جزو اساتید ارزشمند ما بود، اگرچه صاحب کرسی نبود.

### چه سالی ازدواج کردید و چند فرزند دارید؟

عید سال ۷۶، یعنی همان سالی که رزیدنتی پذیرفته شدم ازدواج کردم و یک دختر دارم.

### چه سالی فارغ‌التحصیل شدید و در کجا مشغول شدید؟

سال ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیل شدم و برای گذراندن ضریب K به لاهیجان آمدم و در بیمارستان ۲۲ آبان مشغول به کار شدم. **چرا کار در لاهیجان را انتخاب کردید؟**

چون همسرم علاقه‌مند بود در کنار خانواده‌اش باشد.

### هیچ‌وقت علاقه‌مند به کار در شهر دانشگاهی و بودن در فضای آموزشی نبودید؟

به طورکل به بودن در فضای آموزشی علاقه دارم. ابتدا که در لاهیجان مشغول شدم، شرایطش هم بود، ولی هیچ‌گاه در این باره تلاشی نکردم و کار در لاهیجان را انتخاب کردم.

### اگر می‌خواستید با تجربه‌ی امروز شهر محل فعالیت‌تان را انتخاب کنید؛ کدام شهر یا حتی کشور را انتخاب می‌کردید؟

بستگی دارد در چه مقطعی این حق انتخاب را داشتم. اگر در زمان پس از دیپلم بود، مهاجرت می‌کردم و تحصیلاتم را ابتدا از آن‌جا آغاز می‌کردم، ولی در مقطع عمومی یا پس از تخصص، همین مسیری را که آمدم انتخاب می‌کردم. البته یک فضای آکادمیک برایم در اولویت بود.

نقطه قوت خود را چه می‌دانید و چگونه از آن استفاده می‌کنید؟

اعتماد به نفس. توانایی‌هایم را می‌شناسم و اگر فکر کنم کاری را می‌توانم انجام دهم، ورود می‌کنم و دوست دارم آن کار را تمام و کمال انجام دهم.

**آیا در مسئولیتی که می‌پذیرید، از دیگران هم کمک می‌گیرید، یا ترجیح می‌دهید خودتان انجام دهید؟**

معمولا برای انجام مسئولیتی داوطلب نمی‌شوم، ولی اگر مسئولیتی را بپذیرم از کمک دیگران استفاده می‌کنم؛ اما حتما نظارت و کنترل خواهم داشت تا مطمئن شوم آن مسئولیت به بهترین نحو به انجام می‌رسد.

**فکر می‌کنید اگر از نزدیک‌ترین دوست یا همکاری‌تان بخواهیم شما را توصیف کند، چه بگوید؟ فکر می‌کنم دوستانم من را قابل اتکا بدانند و با این ویژگی از من یادکنند.**

**آخرین باری که از موقعیت کاری‌تان احساس عدم رضایت کردید؛ چه زمانی بوده است؟**

مقطعی و موردی بوده و خوشبختانه عدم رضایت شغلی چشم‌گیری نداشتم و در مجموع راضی هستم.

**از آن جایی که مشکلات قلبی از علل شایع مرگ محسوب می‌شود و شما به عنوان متخصص این رشته در شرایط اورژانس با این مقوله زیاد برخورد داشتید، دیدگاه شخصی شما به مرگ چیست؟**

مرگ را یک واقعیت عینی می‌دانم که هر لحظه قابل تجربه است، ولی تا جایی که امکان دارد باید آن را به تأخیر انداخت.

**اگر قرار باشد روزی پزشکی را کنار بگذارید؛ چه شغلی را انتخاب می‌کنید؟**

تدریس ریاضی و فیزیک. با صرف زمان حداکثر شش ماه خودم را آماده‌ی تدریس این دو رشته می‌دانم.

**مهم‌ترین چالش صنفی حال حاضر جامعه‌ی پزشکی ایران را چه می‌دانید؟**

پزشکی دفاعی. به این معنا که پزشک برای درگیر نکردن خود با مسائل حاشیه‌ی بیش از اندازه محتاط عمل می‌کند و اقدامات تشخیصی‌یی که لازم نیست، یا مشاوره‌هایی که ضرورتی ندارد انجام می‌دهد. ریشه‌ی این مسئله هم نبودن یک مکانیسم واحد برای درمان یا کمبود Guide line های درمانی است. درسیستم‌های معتبر جهانی وجود Guide line کمک می‌کند که اگر پزشک طبق آن عمل نماید برایش اشکالی پیش نمی‌آید و به قول معروف پزشک سو نمی‌شود. ولی این‌جا یک پزشک در کنار دانش علمی باید عوامل و فاکتورهای دیگر را هم در نظر داشته باشد تا با مشکلات درگیر نشود.

**مهم‌ترین مشکل پزشکی را در شهرستان لاهیجان چه می‌دانید؟**

کمبود منابع مالی و مشکلات وابسته به آن، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی تأثیرگذار است. ازسوی دیگر در زمینه‌ی رشته تخصصی خودم از لحاظ تکنولوژی هیچ پیشرفتی در ۱۵ سال اخیر صورت نگرفته است. مهم‌ترین آن هم نبود آنژیوگرافی است و ما مجبوریم برای گذاشتن یک pacemaker موقت هم بیمار را اعزام کنیم.

**اگر با دید امروز قدرت برگشت به گذشته را داشتید کجای زندگی‌تان را تغییر می‌دادید؟** اگر برمی‌گشتم، بعد از دیپلم در ایران نمی‌ماندم و تحصیلم را خارج از ایران ادامه می‌دادم.

**معمولا اوقات فراغت را چگونه سپری می‌کنید؟**

ورزش می‌کنم و به بسکتبال علاقه‌مندم و بیش‌تر از بودن در جمع خانواده و دوستان خانوادگی لذت می‌برم.

**از چه سنی بسکتبال بازی می‌کنید و پست مورد علاقه‌تان چیست؟**

از ۱۵ سالگی تمرین باشگاهی داشتم. پست power forward را دوست دارم، ولی در حال حاضر به علت شرایط آمادگی جسمانی بیش‌تر گارد بازی می‌کنم.

**به طور متوسط روزانه چقدر زمان برای مطالعه صرف می‌کنید؟**

به طور متوسط نیم ساعت که گاه علمی و گاه غیر علمی است.

**کدام منبع را برای مطالعه علمی دنبال می‌کنید؟**

در رشته‌ی خودم از «JACC»

(Journal of the American college of Cardiology)

و در سایر رشته‌ها از مجله‌ی Journal watch استفاده می‌کنم.

**آخرین کتاب غیرعلمی که مطالعه کردید، چیست؟**

سیاست اقتصادی، نوشته‌ی لودویک میزس

**عنوان جالبی است، ممکن است کمی موضوع کتاب را توضیح دهید؟**

این کتاب و کتاب‌هایی از این دست، در واقع اقتصادهای موفق و ناموفق جهان را تشریح می‌کنند و علل کامیابی اقتصادی برخی از کشورها، سیاست حاکم بر آن‌ها و شکست برخی دیگر را توضیح می‌دهند.

**چه کتابی از نظر شما تأثیرگذار هست و خواندنش را به بقیه توصیه می‌کنید؟**

کتاب بیشعوری، اثر خاویر کلمنت.

**به کدام شاخه از هنر علاقه‌مندید؟**

از موسیقی در سبک سنتی و آواز شجریان لذت می‌برم، البته فقط شنونده‌ی خوبی هستم.

**لطفا یک حرف خوب، یا نکته‌ی نغز به خوانندگان ما یادگاری بدهید.**

برای آن‌که رؤیایی واقعیت یابد، اولین لازمه‌ی آن قوه‌ی ایجاد رویا است و دومین اصل مقاومت و اعتقاد به رویا می‌باشد. این جمله از دکتر هانس سلیه است و در ابتدای کتاب خواندن فوری الکترو کاردیوگرافی، انتشارات اقبال نوشته شده بود و در چاپ‌های بعدی هم تکرار نشد. این جمله همیشه گوشه ذهنم هست.

**در پایان به عنوان عضوی از خانواده‌ی پزشکی لاهیجان که در قالب نشریه فرصت همراهی بیش‌تر با شما را پیدا کردیم؛ از وقتی که بی‌دریغ و بی‌منت برای نشریه صرف می‌کنید، سپاسگزاریم. حضور دلگرم‌کننده‌ی شما در هیئت تحریریه، به ما این امکان را می‌دهد که با دغدغه‌ی کم‌تر کار کنیم، زیرا می‌دانیم کسی را کنار خود داریم که اگرچه آرام و بی‌ادعاست، ولی چیزی از نگاه ریزبینش مغفول نمی‌ماند و توانایی بالایی در حل مسئله دارد.**